

The Structure and Purpose of Sūra al-Tahrim

An Argumentative Discovery

Based on a Comprehensive Approach

Moḥammad Khāmegar

Assistant Professor at the Research Institute of Islamic Sciences and Culture, Civilizative Islam Research Institute, Mashhad, Iran (khamegar@gmail.com).



Abstract

Sūra al-Tahrim is one of the short Sūras of the *Qurʾān*. Although the commentators have shown a wide attention to the special themes of this Sūra, such as the reference to al-Tawba al-Naṣūh (Persistent remorse for a sin), or the Jurisprudential order of banning a legitimate act, they have interpreted most of its verses scattered and separate from each other; It is as if there is no connection between the different verses of the Sūra. Of course, few commentators, mostly contemporaries, believed in the structural unity of this Sūra, and tried to discover its structure and purpose based on such a unity; But in practice, each of them reached a different result from the others by using his own manner, and it seems that none of them has been able to review all the evidence based on an objective view and not face them selectively. The current study is an attempt to analyze the structure and discover the purpose of Sūra al-Tahrim by using a comprehensive method including all the methods of the predecessors, and with an effort to present an objective and reasoned analysis of the structure and purpose of the Sūra. It is necessary to defend this hypothesis that contrary to the opinion of most previous commentators and contemporary scholars, the verses of the Sūra are not in the position of explaining the moral manner of confronting the spouses in the family environment, but as a warning against the activity of traitorous elements around the family of Muhammad the Prophet. Apart from the different explanation of the purpose of the Sūra obtained in this study, the method of analyzing the structure and purpose of the Sūra in this study is also innovative. This method can be called the “comprehensive method of identifying the meaning of the Sūra” and is presented in this study for the first time.

Keywords: purposefulness of Sūras, purpose of Sūra, structure of Sūra, Sūra of prohibition, hypocrites, wives of the Prophet Muḥammad.

Original Research

Received: 22/ 9/ 2020, accepted: 9/ 6/ 2022, and published: 4/ 7/ 2022, Pages: 69-96.

Publisher: Mashhad Faculty of University of Quranic Theology and Awareness.

Print ISSN: 2783-5294

Online ISSN: 2783-5308

Open access in web address: <<http://naghdeara.quran.ac.ir>>

DOI:

NOTE: Latin transliteration of the bibliography is included in the final pages of this article.



ساختار و غرض سوره تحریم کشف استدلالی با رویکرد جامع

محمد خامه‌گر

استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی،
پژوهشکده اسلام تمدنی، مشهد، ایران (khamegar@gmail.com).

چکیده

سوره تحریم یکی از سوره‌های کوتاه قرآن کریم است. باین‌که مفسران توجه گسترده‌ای به مضامین خاص این سوره — هم‌چون اشاره به توبهٔ نصح یا حکم شرعی تحریم امر حلال — نشان داده‌اند اغلب آیات آن را پراکنده و جداازهم تفسیر نموده‌اند؛ گویی میان آیات مختلف سوره پیوندی وجود ندارد. البته، معدود مفسرانی — اغلب از معاصران — به وحدت ساختاری این سوره باور داشته، و برای کشف ساختار و غرض آن کوشیده‌اند؛ اما درعمل هریک با کاربست شیوه‌ای به نتیجه‌ای متفاوت با دیگران رسیده، و به‌نظر می‌رسد کم‌تر کسی از ایشان توانسته است برپایهٔ نگاهی بی‌طرفانه عینیت‌گرایانه همهٔ شواهد را بازبیند و گزینشگرانه با آن‌ها روبه‌رو نشود. مطالعهٔ کنونی کوششی است برای تحلیل ساختار و کشف غرض سوره تحریم با کاربست روشی جامع همهٔ روش‌های پیشین، و با کوشش برای بازنمودن تحلیلی عینیت‌گرایانه و مستدل از ساختار و غرض سوره. بناست از این فرضیه دفاع شود که برخلاف تصور اغلب مفسران پیشین و محققان معاصر، آیات سوره نه در مقام تبیین شیوهٔ اخلاق‌مدار رویارویی با همسران در محیط خانواده، که در مقام هشدار نسبت به فعالیت عناصری خیانت‌پیشه در اطراف خانوادهٔ پیامبر (ص) است. گذشته از تبیین متفاوتی که از غرض سوره در این مطالعه حاصل شده، روش تحلیل ساختار و غرض سوره در این مطالعه نیز نوآورانه است؛ روشی که می‌توانش «روش جامع بازشناسی غرض سوره» نامید و اکنون در این مطالعه برای نخستین بار بازنموده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: هدفمندی سوره‌ها، غرض سوره، ساختار سوره، سوره تحریم، منافقین، همسران پیامبر (ص).

مقاله پژوهشی

دریافت: ۱۳۹۹/۷/۱۱ش، پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۱۹ش، نشر: ۱۴۰۱/۴/۱۳ش، صفحه ۶۹ تا ۹۶.

ناشر: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (دانشکده علوم قرآنی مشهد)

شاپای چاپی: ۵۲۹۴-۲۷۸۳

شاپای الکترونیکی: ۵۳۰۸-۲۷۸۳

دسترسی آزاد: پایگاه اینترنتی <<http://naghdeara.quran.ac.ir>>

DOI:

درآمد

سوره تحریم از سوره‌های مدنی (طبری، جامع البیان، ۱۹۸/۲۸) و ۶۶مین سوره در ترتیب مصحف است. این سوره میان دو سوره طلاق و مُلک و در پایان جزء ۲۸ جای گرفته، و در ترتیب نزول هم در جایگاه ۱۰۸مین سوره، پس از سوره حجرات و پیش از سوره جمعه نازل شده است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۰/۶۱۳؛ زرکشی، البرهان، ۱/۲۸۱). نام مشهور آن تحریم و برگرفته از آیه نخست آن است. نام‌های سوره النبى، لِمَ تُحَرِّم، و مُتَّحَرِّم را نیز بر آن اطلاق کرده‌اند (بقاعی، نظم الدرر، ۸/۴۳؛ سیوطی، الدر المنثور، ۱/۱۲۱).

دست‌کم در نگاه نخست می‌توان در این سوره مضامین و مباحث پراکنده‌ای دید: سخنی عتاب‌گونه و سر بسته در خطاب پیامبر اکرم (ص) که چرا امری حلال را بر خود حرام کرده است و اکنون چه باید بکند (آیه ۱-۲)، این که یکی از همسران پیامبر (ص) به افشاء راز وی کوشیده و خدا نیز — برخلاف انتظار آن زن — پیامبر خود را از این عمل آگاه کرده است (آیه ۳)، تهدید دو تن از همسران پیامبر (ص) به این که اگر از رفتارشان توبه نکنند پیامبر (ص) می‌تواند ایشان را طلاق بدهد و زنان بهتری جای‌گزین کند (آیه ۴-۵)، این که مؤمنان باید نگران عمل کرد خود و خانواده‌شان باشند و کاری نکنند که مستوجب آتش دوزخ شوند (آیه ۶)، سخنی در خطاب کفار حاکی از این که عذرشان پذیرفتنی نیست (آیه ۷)، درخواست از مؤمنان که «توبه نصوح» کنند (آیه ۸)، دستور به پیامبر (ص) برای جهاد با کافران و منافقان و سخت گرفتن بر ایشان (آیه ۹)، و بالاخره، یادکرد نمونه‌هایی از زنان خوب و بد امت‌های پیشین (آیه ۱۰-۱۲).

در روایاتی بدون آن که از نزول یک‌جای سوره سخن برود گزارش‌هایی درباره سبب نزول آیات نخست سوره ذکر شده است. برای نمونه، در برخی روایت‌ها سبب نزول چهار آیه نخست خلوت کردن پیامبر (ص) با کنیزی — احتمالاً ماریه قبطیه — در خانه همسرشان حفصه بازنموده می‌شود. بر پایه این قبیل روایت‌ها، حفصه از روی داد آگاه می‌شود و اعتراض می‌نماید. پیامبر (ص) برای آرام کردن او قسم می‌خورد دیگر چنین رابطه‌ای با کنیزان خود برقرار نخواهد کرد، و متقابلاً از وی درخواست می‌کند این روی داد را از همگان مخفی نگه دارد. حفصه برخلاف قرار قبلی خود واقعه را با عانشه — همسر دیگر پیامبر (ص) — باز می‌گوید و این گونه، آیات نخستین سوره تحریم نازل می‌شود (سیوطی، الدر المنثور، ۶/۲۳۹).

روایتی دیگر هم از قول عائشه داستانی مشابه را بازمی‌گوید: پیامبر (ص) نزد زینب بنت جحش عسل بسیار نوشیده، و توقفش در خانه او طولانی شده بود. عائشه و حفصه به او گفتند که دهانت بوی مغافیر (گیاهی بدبو) گرفته است. پیامبر (ص) هم سوگند یاد کرد که دیگر نزد زینب نرود و بعد این آیات نازل شد (بخاری، *الصحیح*، ۷/ ۴۴-۴۵).

روایات دیگری نیز با مضامینی کمابیش مشابه یکی از دو گزارش فوق در منابع عامه مسلمانان می‌توان یافت (برای مرور آن‌ها، بنگرید به: سلیمانی، «بازخوانی سبب نزول...»، ۱۶۹ به بعد؛ نیز برای دسته‌بندی عموم روایات عامه مسلمانان: برزگر، «جعل و تحریف...»، ۸۹-۹۱). در روایات شیعی راز مگوی پیامبر (ص) جانشینی ایشان بازنموده می‌شود (برای مرور این روایات، بنگرید به: شاه‌سنایی، «بازخوانی تفسیر راز افشاء شده...»، ۱۶۰-۱۶۱). معمولاً نیز مجموع این روایت‌ها مستقل از هم دیده می‌شوند؛ نه کسی از پیشینیان و نه کسی از محققان معاصر به این فرضیه نگراییده است که همه این روایت‌ها بیان‌های مختلفی برای یک واقعه باشند.

نمی‌دانیم همه آیات این سوره یک‌جا نازل شده‌اند یا جداگانه؛ ولی حتی اگر به تناسب آیات همه سوره‌ها نیز معتقد نباشیم باز کوتاهی نسبی سوره این احتمال را تقویت می‌کند که بتوان همه آیاتش را متعلق به یک ساختار معنایی و پدیدآمده برای انتقال یک پیام انگاشت. به‌هرروی، غالب مفسران کهن آیات این سوره را — با همان رویکرد معمول خود — مستقل از هم دیگر و بدون کوشش برای کشف پیوند میان آن‌ها تفسیر نموده‌اند.

مفسرانی هم که به نظریه تناسب آیات گرایش داشته‌اند عملاً تصویر واضح و قانع‌کننده‌ای از غرض واحد سوره بازنموده‌اند. برخی از اینان غرض اصلی سوره تحریم را ارائه الگویی برای شیوه حل مسائل خانوادگی و تنظیم روابط زن و شوهر شناسانده (صابونی، *صفوة التفاسیر*، ۳/ ۳۸۱)، و جای گرفتن این سوره پس از سوره طلاق را نیز به همین سبب دانسته‌اند که هریک قرار است به نحوی — با تأکید بر لزوم مراعات تقوا — شیوه برون‌رفت از مشکلات خانوادگی مختلف را بازنمایند (مدرسی، *من هدی القرآن*، ۱۶/ ۱۰۱). از این منظر، آیات سوره تحریم بازگوکننده اوصاف زنان برتر از نگاه اسلام (طالب‌زاده و دیگران، «ویژگی زنان برتر...»، ۱۳۴-۱۴۰)، و پیام سوره نیز توضیح این معناست که مؤمنان باید از پیامبر (ص) الگو بگیرند و هرگاه همسران‌شان

خطایی کردند با ملاحظت و نرمی او را نصیحت کنند (مراغی، التفسیر، ۱۵۴/۲۸).

طرح مسئله

گذشته از نقدهایی که می‌توان به روایات سبب نزول این سوره داشت (بنگرید به: طباطبایی، المیزان، ۵۶۷/۱۹ ذیل «عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ»)، و گذشته از ناسازگاری این روایت‌ها با منش‌ها و شیوه رفتاری که از پیامبر اکرم (ص) انتظار می‌رود (بنگرید به: عسکری، نقش عائشه در احادیث اسلام، ۸۶-۸۷/۴)، اغراضی نیز که مفسران بر پایه روایات یادشده برای سوره برشمرده‌اند مبحث اصلی سوره را از حد یک مسئله اجتماعی و سیاسی به یک مسئله خانوادگی و شخصی تنزل می‌دهد.

برخلاف این آراء، به نظر می‌رسد چالش اصلی سوره مسئله‌ای فراتر از تنظیم روابط معمول زن و شوهر بوده است. در روایات سبب نزول تصریح می‌شود آیه چهارم با آیات نخستین سوره نازل شده است (بنگرید به: بخاری، همان‌جا). در این آیه خطاب به دو همسر پیامبر (ص) گفته می‌شود اگر برضد او تبانی کنند، خدا و جبرئیل و مومنان صالح و ملائکه به یاری‌اش خواهند آمد. تعبیر «تَظَاهَرَا عَلَيْهِ» به صراحت بر وجود تبانی و توطئه علیه پیامبر (ص) دلالت می‌کند. اگر مسئله مورد بحث چیزی در حد مخالفت و سرکشی دو زن در برابر همسرشان با اقدامات ساده‌ای مثل افشاء سِرِّ تحریم عسل بود لازم نمی‌آمد خدا با لشکریانش به حمایت پیامبر (ص) و سرکوب مخالفان برخیزد و چنین تهدید نماید. تهدید زنان به طلاق در آیه پنجم نیز حکایت از اهمیت رویداد می‌کنند (بنگرید به: میرباقری، «ارتباط آیات...»، ۱۳۰-۱۳۱).

آیات بعد نیز خبر از پیامدهای اجتماعی افشاء راز دارند. امر به جهاد با کافران و منافق‌ها در آیه ۹ نیز نشان می‌دهد مسئله از یک اختلاف ساده خانوادگی فراتر بوده است. عذاب‌های ذکرشده در این سوره برای مخالفت با پیامبر (ص) نیز بسیار شدید است (بنگرید به: آیه ۶) و با خطای کوچکی مانند غیرت زنانه و حسادت در برابر همسر تناسب ندارد. اشاره به خیانت همسران نوح و لوط (ع) به این دو پیامبر نیز با خطایی ساده در جمع خانوادگی سازگار نیست (بنگرید به: امین، مخزن العرفان، ۴۰۲/۱۲). تناسب این داستان با داستان افشای اسرار خانه پیامبر (ص) ایجاب می‌کند که رفتار همسران پیامبر (ص) هم از این جنس باشد (مکارم،

تفسیر نمونه، ۳۰۱/۲۴).

مجموع این شواهد حاکی است که هنوز غرض اصلی سوره در مطالعات تفسیری معاصر آشکار نشده است. مطالعه کنونی تلاشی برای برون‌رفت از این چالش است. می‌خواهیم با مرور آیات مختلف سوره تحریم دریابیم:

اولاً، آیا می‌توان روشی علمی و عینیت‌گرایانه برای تحلیل ساختار کلی این سوره و کشف پیام اصلی آن باز نمود؟

ثانیاً، برپایه کاربست چنین روشی به چه نتیجه‌ای درباره پیام اصلی سوره خواهیم رسید؟

ثالثاً، چه شواهدی می‌توان در متن سوره و خارج از آن در تأیید روش پیش‌نهادی جست؟

در کوشش برای پاسخ به این پرسش‌ها، نخست روش پیش‌نهادی خود برای تحلیل غرض سوره را بازمی‌نماییم. سپس برپایه آن روش ساختار سوره را بازمی‌شناسیم. در پایان هم به مرور شواهد و مؤیدات دیدگاه خود خواهیم پرداخت.

۱. مباحث روش‌شناختی

از میان مفسران قرآن کریم، برخی به ساختارمندی سوره‌ها و وجود غرض اصلی برای هر سوره باور داشته‌اند. شیوه رایج غالب ایشان برای بازشناسی غرض سوره آن است که مفسر با مطالعه آیات هر سوره با روح حاکم بر آن سوره ارتباط برقرار کند و برپایه شّم مفسرانه خویش موضوعی را که در جای‌جای سوره به آن اشاره می‌شود و سوره تأکید بیش‌تری بر آن دارد هم‌چون غرض اصلی در نظر گیرد. مثلاً، از فضای کلی سوره جن چنین متوجه بشود که اصلی‌ترین موضوع بحث در آن جِتّیان است (بنگرید به: صابونی، قیس من نور...، ۱۰۹/۸)؛ یا از فضای کلی سوره بقره چنین دریابد که هدف آن فراخواندن عموم به تقوا، تبیین زندگی پس از مرگ، یا تبیین جایگاه قرآن کریم است (برای مرور و نقد این اقوال، بنگرید به: لسانی، «بقره»، ۳۸۷-۳۸۸).

۱-۱) شیوه‌های معمول کشف استدلالی غرض سوره

بازیابی غرض سوره برپایه شّم مفسرانه فرایندی ضابطه‌مند نیست، بیش‌تر تابع گرایش مفسر و برداشت کلی او از سوره، و معمولاً بیانی آن‌قدر کلی‌گویانه است که عملاً به یافتن پاسخ هیچ

مسئله‌ای کمک نمی‌کند. شیوه متصوّر دیگر آن است که مفسر بکوشد با تکیه بر شواهد و مستندات غرض سوره را بیابد و کیفیت راه‌یابی خود به آن را مستدل و روشمند بیان کند. شماری از مفسران به کار بست چنین شیوه‌ای گراییده‌اند.

این مفسران روش‌های مختلفی را برای کشف غرض سوره‌ها آزموده‌اند. مطمئن‌ترین روش ایشان برای کشف غرض یک سوره بررسی سیاق و دسته‌بندی روشمند آیات آن است. بدین منظور لازم است اول بر اساس ارتباط لفظی، معنایی و اسلوبی آیات آن‌ها را به دسته‌های مختلف تقسیم کرد؛ بعد با توجه به محتوای هر دسته و با تکیه بر مطلب کانونی آن عنوانی را برای هر دسته مشخص نمود؛ و در نهایت نیز با جمع‌بندی روشمند عناوین سیاق‌ها غرض سوره را بازساخت.

از این روش در تفاسیری مانند *فی ظلال القرآن* سید قطب، *الاساس فی التفسیر سعید حوی و المیزان* طباطبایی استفاده شده است (در این باره، به ترتیب بنگرید به: سیاوشی، *تحلیل انتقادی...*، ۱۳۴؛ حوی، *الاساس*، ۸ / ۴۳۸۳؛ طباطبایی، *المیزان*، ۱۹ / ۳۹۲). کاربرد گسترده‌تر آن را نیز می‌توان در *تدبیر در قرآن* محمدحسین الهی‌زاده (چاپ مشهد، مؤسسه فرهنگی تدبیر در قرآن و سیره، ۱۳۹۳ش) مشاهده کرد.

شیوه دیگر کشف غرض از طریق تحلیل عناصر متنی سوره است. هر متنی سلسله‌ای از جملات و اجزاء متوالی است که خواننده با دنبال کردن آن‌ها معنا یا پیام خاصی را استنباط می‌کند. همین وجه معنایی متن است که آن را از مجموعه جملاتی که تصادفی کنار هم قرار گرفته‌اند متمایز می‌کند (اخلاقی، *تحلیل ساختاری منطق الطیر*، ۸۲). برخی مفسران معاصر از جمله حوی (درگذشته ۱۴۱۱ق)، بی‌آزار شیرازی و جوادی آملی از این قاعده برای کشف پیام اصلی سوره‌ها استفاده کرده‌اند (بنگرید به: حوی، *الاساس*، ۲۴۱۶، ۵۰۲۴-۵۰۲۵، ۶۲۶۳؛ بی‌آزار شیرازی، *تفسیر کاشف*، ۱/ ۲۹۸-۲۹۵؛ جوادی آملی، *تسним*، ۱۲/ ۶۸۵).

برخی از عناصر سوره که به این منظور می‌توانند به مفسر یاری برسانند عبارت‌اند از: آیات آغازین و پایانی، داستان‌ها، اسماء الحسنی، و سوگندهای مذکور در سوره. برای کشف غرض سوره با توجه به این قبیل عناصر متنی، مفسران پس از شناسایی اجزاء و عناصر هر سوره جهت‌گیری مشترک و مضامین تکرارشونده در آن‌ها را بازمی‌یابند و با استفاده از اشتراکات آن‌ها

پیام اصلی سوره را بازمی‌شناسند.

شیوه دیگر آن است که غرض سوره را با بررسی تکرارهای لفظی و معنایی دریابند. تکرار یکی از ویژگی‌های بلاغی متون ادبی است که با هدف تأثیرگذاری هرچه‌بیش‌تر و تأکید بر مفاهیم موردنظر پدید آورنده متن همواره به کار گرفته شده است. از نگاه مفسران مسلمان، تکرارهای متن قرآن امری تصادفی نیست؛ بل که تکرار مفاهیم و الفاظ و اسلوب‌ها با تدبیر و عمد و برپایه حکمت‌هایی در جای‌جای قرآن به کار گرفته شده، و همواره هدفی بلاغی و معنایی در ورای تکرارها نهفته است. مثلاً یکی از کارکردهای تکرار در قرآن این است که با مطالعه روشمند آن‌ها می‌توان راهی به سوی کشف پیام اصلی سوره گشود.

در یک تقسیم کلی تکرارهای موجود در قرآن را می‌توان سه گونه دانست: تکرارهای معنایی، لفظی، و معنایی - لفظی (خرقانی، «جستاری در تکرار بندها...»، ۷۵). از جمله مفسرانی که اهمیت به تکرارها برای کشف غرض هر سوره توجه نشان داده طباطبایی است. وی مثلاً غرض سوره یونس را - با توجه به تکرار مفاهیم و الفاظ - مسئله وحی قرآن و تکذیب مردم بازشناخته است (طباطبایی، المیزان، ۱۰/۳). محمود بستانی (درگذشته ۱۴۲۳ق) هم به استفاده از این روش در کشف غرض سوره توجه ویژه‌ای دارد (بستانی، التفسیر البنائی، ۳/۳۱۱).

۲-۱) دیگر شیوه‌های استدلالی ممکن

یک شیوه دیگر برای کشف غرض سوره می‌تواند این باشد که روابط میان‌متنی سوره‌ها را مطالعه، و به شباهت‌های موجود میان سوره‌ها نظر کنیم. از منظر کاربران این روش، هرگونه شباهتی میان یک سوره با دیگر سوره‌ها قرینه‌ای است که مفسر را به اشتراک موضوع و اغراض سوره‌ها راهنمایی می‌کند. گرچه با کار بست این روش نمی‌توان به‌طور دقیق موضوع اصلی سوره را تعیین کرد، می‌توان به مختصات آن دست یافت و از دستاوردهای کاربرد این روش هم‌چون مؤیدی در ترجیح یک احتمال بر دیگر احتمالات بهره جست.

مفسرانی که به وحدت موضوعی سوره‌های قرآن باور داشته‌اند به تشابهات مختلفی میان دو سوره که می‌تواند برای کشف غرض سوره مفید باشد اشاره کرده‌اند. از آن میان برخی ارتباطها که پذیرفتنی‌تر و راه‌گشا تر و راه‌گشا تر به نظر می‌رسند این‌ها هستند: ارتباط سوره‌های هم‌سیاق، سوره‌های هم‌سان‌آغاز یا سوره‌های هم‌سان‌پایان، ارتباط غرض هر سوره با مضمون آیه پایانی سوره پیشین،

ارتباط سوره‌های پیاپی نازل شده، و ارتباط و تناسب اغراض سوره‌های هم‌جوار در مصحف. افزون بر قرائن درون‌متنی یادشده می‌توان از شواهد و عناصری برون‌متنی هم برای کشف غرض هر سوره بهره جست. این عناصر گرچه خارج از متن سوره قرار دارند، بر جهت‌گیری محتوای سوره تأثیر می‌گذارند و با غرض و پیام اصلی آن مرتبط اند. از میان این عناصر برون‌متنی می‌توان اسم سوره، فضائل و خواص سوره، و فضای نزول آن سوره را برشمرد؛ یعنی وضعیت اجتماعی بخصوصی که در زمان نزول آیه‌ها در جامعه مخاطبان پیامبر (ص) حاکم بود (برای این اصطلاح و این تعریف، بنگرید به: سلمان‌زاده، «فضای نزول...»، ۱۲-۱۳). از مفسران کهن، بقاعی (درگذشته ۸۵۵ق) به این قرائن توجه ویژه‌ای نشان داده است (برای تصریح وی به این معنا، بنگرید به: بقاعی، *نظم الدرر*، ۱/ ۱۸). از مفسران معاصر عامه مسلمانان هم سید قطب (درگذشته ۱۳۸۶ق) چنین گرایشی دارد (قطب، *فی ظلال القرآن*، ۱۹). می‌توان در تفاسیر برخی معاصران شیعه نیز نشانی از توجه به این شواهد را بازدید. برای نمونه، طباطبایی و جوادی آملی از فضای نزول سوره آل‌عمران برای کشف هدف اصلی این سوره استفاده کرده‌اند (بنگرید به: طباطبایی، *المیزان*، ۲/ ۳؛ جوادی آملی، *تسنیم*، ۲/ ۵۴).

۳-۱) پیش‌نهاد رویکردی جامع

بر پایهٔ مجموع دستاوردهای فوق می‌توان از یک رویکرد جامع نیز برای کشف غرض سوره‌ها سخن گفت. برای این که با استناد به دلایل قانع‌کننده به غرض سوره دست یابیم، باید از همهٔ ابزارها و قواعدی که کشف غرض را روشن‌تر می‌کند و اعتماد به نتایج این کشف را بالا می‌برد کمک بگیریم. به این منظور باید با نگاهی جامع از همهٔ روش‌های درون‌متنی و برون‌متنی مؤثر در کشف غرض سوره استفاده، و با روشی استدلالی، دیگر غرض‌های احتمالی سوره را نقد و ارزیابی کنیم.

یک پیش‌نهاد برای تحقق این هدف آن است که نخست میزان اعتبار عوامل مؤثر در کشف غرض و میزان تأثیرگذاری هریک از این عوامل در شناسایی غرض سوره‌ها را ارزیابی، و روش‌های استدلالی کشف غرض سوره را بر پایهٔ این دو معیار اولویت‌بندی کنیم؛ بعد، با در نظر گرفتن اولویت هریک از این روش‌ها از آن‌ها در فرآیند کشف غرض سوره بهره‌جوییم. هرگاه چنین شود راه‌یابی به غرض سوره با رعایت قواعد و ضوابطی صورت خواهد گرفت که بر

اصول عقلایی مُحاوَره و انتقال پیام بنا شده‌اند.

به این منظور لازم است:

- (۱) با توجه به اصول و قواعد شناسایی پیوستگی آیات، به سیاق‌بندی سوره و دسته‌بندی آیات آن پردازیم، به همه عوامل پیوستگی نحوی، اسلوبی، و معنایی توجه کنیم و آیات مرتبط را بر همین اساس دسته‌بندی، یا به اصطلاح رایج در روش تحلیل محتوا، «گفتاربندی» کنیم.
- (۲) با توجه به ارتباط آیات هر دسته به عنوان‌گذاری هر گفتار پردازیم. در این مرحله باید به این نکته توجه داشت که روش عنوان‌گذاری گفتارهایی که مشتمل بر آیات اصل و فرع است با گفتارهایی که مشتمل بر آیات هم‌طراز است تفاوت دارد.
- (۳) با کنار هم نهادن و مقایسه گفتارهای فرعی و کشف وجه جامع آن‌ها، گفتارهای اصلی را بازشناسیم و بعد به طریقی مشابه، با مقایسه گفتارهای اصلی، مفاهیم مشترک در عناوین گفتارهای اصلی را بیابیم. وجه جامع همه گفتارهای اصلی همان غرض سوره است.
- (۴) با توجه به مشترکات لفظی و محتوایی گفتارها مانند تکرار معنایی یک موضوع، تکرار معنایی یک مضمون، و تکرار لفظی یک عبارت یا آیه، غرض کشف‌شده را بازسنجیم و در صورت لزوم بینش خود را درباره آن اصلاح کنیم.
- (۵) با توجه به همه عوامل معتبر در کشف غرض سوره، غرضی را که از طریق جمع‌بندی عناوین گفتارهای اصلی و فرعی به دست آمده است ارزیابی کنیم. در این مرحله با توجه به عناصرِ درون‌متنی سوره مانند آیات آغازین و پایانی، سوگندها، اسماء‌الحسنی، و داستان‌های سوره، و نیز با توجه به عناصرِ برون‌متنی سوره مانند اسم، فضائل و خواص، و فضای نزول سوره، و بالاخره با توجه به آن دسته از روابط میان

سورها که اعتبار آنها در کشف غرض ثابت شده است (مانند تناسب غرضی سوره‌های هم سیاق، تناسب غرضی سوره‌های هم‌سان‌آغاز، و تناسب غرضی دو سوره هم‌سان‌پایان) به بررسی غرض کشف‌شده می‌پردازیم و فرآیند کشف آن را مستدل می‌سازیم.

۶) اغراض و اهداف دیگری را که توسط مفسران مطرح شده است مرور کنیم و با استفاده از قواعد و فرآیند کشف غرض به ارزیابی آنها بپردازیم.

این روش از دو جهت بر روش‌های دیگر ترجیح دارد: نخست آن‌که بر خلاف روش‌های دیگر به جای تکیه بر عناصر فرعی و جانبی سوره بر محتوای سوره و سیاق لفظی و معنایی آن تکیه دارد؛ دوم آن‌که در این روش برای کشف غرض به همه عناصر درون‌متنی و برون‌متنی سوره، و جهت‌گیری محتوایی آنها توجه می‌شود: نه از برخی عوامل مؤثر در کشف غرض سوره غفلت می‌شود، نه به برخی از روش‌ها ارزش و اعتبار بیش از اندازه‌ای داده می‌شود.

۲. بازشناسی سیاق‌های سوره تحریم

اکنون می‌خواهیم با کاربست همین روش سوره تحریم را بررسی کنیم. گام نخست آن است که سیاق‌های سوره را بازشناسیم و سوره را گفتاربندی کنیم. به نظر می‌رسد سوره تحریم از سه سیاق تشکیل شده است. آیات ۱-۵ سیاق نخست، آیات ۶-۹ سیاق دوم، و آیات ۱۰-۱۲ هم سیاق سوم سوره را شکل می‌دهند.

۱-۲) سیاق اول، آیات ۱-۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ * قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ * وَإِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضُهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَأَنِي الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ * إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيْلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ * عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَنَّ

أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِّنْكَ مَسْلَمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ
ثَيَّابَاتٍ وَأَبْكَارًا (تحریم/ ۱-۵).

در سخن از ارتباط آیه دوم با آیه اول باید گفت از نگاه نحوی آیه دوم استینافی است و ارتباطی با آیه اول ندارد (بنگرید به: صافی، *الجدول فی اعراب القرآن*، ۲۸ / ۲۹۴).
با این حال، از نظر معنایی بین این دو آیه رابطه عام و خاص وجود دارد. آیه اول خطاب به پیامبر (ص) است؛ خطابی که در کاربرد تعبیری هم‌چون «یا ایها النبی»، «لِمَ تُحَرِّمُ»، «لَک»، «أَزْوَاجِک» آشکار است. آیه دوم خطاب به مومنان است. این را می‌توان از کاربرد تعبیری مثل «لَکُم»، «ایمانیکم» و «مولاکم» دریافت. بنابراین، خطاب آیه اول در خطاب عام آیه دوم داخل است (بنگرید به: الهی‌زاده، *درسنامه تدبیر ترتیبی*، ۲۸۲).

در سخن از ارتباط آیه ۳ با آیات قبل باید توجه داشت که حرف واو در آغاز این آیه استینافیه است؛ نه عاطفه (درویش، *اعراب القرآن*، ۳ / ۳۵۷). پس این احتمال وجود دارد که این آیه شروع سیاق جدیدی باشد. وانگهی، با توجه به این‌که دو واژه النبی و أزواج در این آیه مانند آیه اول تکرار شده‌اند، میان این آیه و آیات قبل ارتباط برقرار است. افزون‌براین، حرف «اذ» هم ظرف زمان، و متعلق به فعل محذوف «اذکر» است (همان، ۱۰ / ۱۳۲) که ضمیر فاعلی آن به «النبی» در آیه نخست بازمی‌گردد. در نتیجه، این آیه شروع سیاقی نو نیست.

آیه ۴ نیز با آیات قبل مرتبط است. این آیه «بَعْضِ أَزْوَاجِهِ» در آیه سوم را مخاطب قرار می‌دهد. مرجع ضمیر در فعل «تتوبا» و کلمات «قُلُوبُکُمْ» و «تَطَاهَرًا» به دو همسر پیامبر (ص) بازمی‌گردد که در آیه ۳ به آن‌ها اشاره شده بود. یکی از آن‌ها زنی است که پیامبر سر خود را به او گفته بود: «وَإِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا». دومی همان کسی است سر مذکور نزد او فاش شده است: «فَلَمَّا بَيَّنَّتْ بِهِ...». ضمائر مفرد مذکر غائب در کلمات «عَلَيْهِ» و «مَوْلَاهُ» نیز به کلمه «النَّبِيُّ» در آیه سوم برمی‌گردند. به همین ترتیب، آیه ۵ نیز با آیات قبلی ارتباطی آشکار دارد: این آیه خطاب به «بَعْضِ أَزْوَاجِهِ» در آیه سوم است و از همین رو ضمائر جمع در کلمات «طَلَّقَنَّ» و «مِنْكَنَّ» به «بَعْضِ أَزْوَاجِهِ» بازمی‌گردد. ضمائر مفرد مذکر غائب در کلمات «رَبُّهُ» و «أَنْ يُبَدِّلَهُ» نیز به کلمه «النَّبِيُّ» در آیه سوم برمی‌گردند.

آن‌چه آیات مختلف این سیاق را به هم پیوند می‌زند و از آن‌ها یک سیاق می‌سازد این است

که همه آیه‌ها دارند اجزائی از یک داستان را بازمی‌گویند. در این آیات مطالبی هشدارگونه درباره خیانت همسران پیامبر (ص) به ایشان بیان می‌شود. آیه اول با طرح پرسشی به رفتار پیامبر (ص) اشاره دارد که امری حلال و مباح را با سوگند خوردن و به منظور کسب رضایت همسرانش بر خود حرام کرده است. آیه دوم در ادامه همین داستان جواز شکستن سوگند را مطرح می‌کند. آیه ۳ از افشاء راز پیامبر توسط برخی از همسران ایشان خبر می‌دهد. آیه ۴ همان زن را همراه همسر دیگر پیامبر (ص) معرفی می‌کند، بازمی‌گوید که این دو قصد تبنانی برضد ایشان داشته‌اند، و آن‌ها را مخاطب قرار می‌دهد، به توبه فرامی‌خواند، و تهدید می‌کند. آیه ۵ نیز همه همسران پیامبر (ص) را مخاطب قرار می‌دهد و اعلام می‌دارد اگر کار به جایی برسد که پیامبر (ص) ایشان را طلاق بدهد، خدا همسران بهتری نصیب پیامبر (ص) خواهد کرد.

۲-۲) سیاق دوم، آیات ۶-۹

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ
 غِلَاطٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا
 تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا تُجْرُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً
 نَصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَكْفُرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
 الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ
 يَقُولُونَ رَبَّنَا آتِنَا لَنَا نُورًا وَاعْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ
 الْكُفْرَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (تحریم/ ۶-۹).

به نظر می‌رسد آیه ششم هیچ‌گونه ارتباط لفظی با آیات قبل ندارد. از نظر محتوایی نیز برخلاف آیات سیاق قبل که خطاب به پیامبر (ص) و همسران ایشان بود، این آیه مؤمنان را خطاب می‌کند. در نتیجه، نمی‌تواند بخشی از داستان خیانت همسران پیامبر باشد و باید آن را آغاز یک سیاق جدید در نظر گرفت. البته این سیاق با سیاق پیشین از نظر اسلوبی ارتباط دارد؛ زیرا هم اسلوب خطاب با تکرار حرف خطاب «يَا أَيُّهَا» تکرار شده است، هم عبارت «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ» در هر دو سیاق دیده می‌شود. با این حال، به دلیل آن‌که ارتباط محتوایی بین دو سیاق برقرار نیست نمی‌توان آن دو را یک سیاق به شمار آورد. شباهت اسلوب بیان دو آیه در صورتی می‌تواند بیانگر ارتباط هر دو به یک سیاق دانسته شود که همراه با ارتباط لفظی باشد.

به هر روی، سه آیه بعد نیز همگی با آیه ۶ ارتباطی آشکار دارند. درباره ارتباط آیه ۷ با ۶ می‌توان گفت که از نظر لفظی هردو با اسلوب مشترک «یا أَيُّهَا الَّذِينَ» آغاز شده‌اند. از نظر معنایی نیز میان خطاب مؤمنان و کافران ارتباط تقابل وجود دارد. افزون‌براین، در هر دو آیه به مؤمنان و کافران نسبت به عذاب جهنم هشدار داده شده است. آیه ۸ نیز با دو آیه قبلی مرتبط است: این آیه با آیه ۶ ارتباط لفظی و معنایی دارد؛ زیرا از جهت اسلوبی هر دو آیه در خطاب «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» و فعل امری که بعد از هر خطاب بیان شده است — یعنی «فُوا أَنْفُسَكُمْ» و «تُوبُوا» — مشترک‌اند. از جهت معنا هم در هر کدام از این آیات به یکی از وظایف مؤمنان اشاره شده است.

ممکن است که تصور شود خطاب «یا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا» در آیه ۷ خطاب جدیدی است و وظیفه‌ای را برای کافران برمی‌شمارد. باید توجه داشت که منظور از کفر در این آیه کفر عملی است؛ نه کفر اعتقادی. مراد از «الَّذِينَ كَفَرُوا» نیز همان مؤمنانی است که اکنون با پیامبر (ص) مخالفت می‌کنند. پس این آیه ادامه خطاب آیه ششم است و نباید بحث جداگانه‌ای انگاشته شود.

در سخن از ارتباط آیه ۹ با آیات قبل هم باید گفت ارتباط لفظی این آیه با آیات قبل به خاطر این است که این آیه با اسلوبی مشابه اسلوب آیات قبل — یعنی اسلوب ندا — آغاز شده است. افزون‌براین، آیه ۹ ارتباط معنایی نیز با آیات قبل دارد؛ زیرا همانند آیه ۶ و ۸ که به وظائف مؤمنان اشاره دارند در این آیه هم به وظائف پیامبر (ص) در برابر کافران و منافقان اشاره می‌شود. تشابه محتوایی دیگر این آیه با آیات قبل هم در این است که در آن همانند آیات ۶ و ۷ نسبت به عذاب دوزخ هشدار داده می‌شود. وجه اشتراک مهم آیات این سیاق همین است که همه درباره وظایفی است که مؤمنان یا پیامبر (ص) بر عهده دارند.

۳-۲) سیاق سوم، آیات ۱۰-۱۲

صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأةَ نُوحٍ وَامْرَأةَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَاتَاهُمَا فَلَمْ يَغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ *
وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأةَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ * وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي

أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا مِنِ
الْقَانِتِينَ.

آیه دهم نه ارتباط ادبی با آیات سیاق قبل دارد؛ نه ارتباط معنایی. از این رو آغاز سیاقی جدید است. انفصال ادبی به خاطر آن است که هیچ کدام از عوامل پیوستگی لفظی – مانند حروف ربط، ساختار نحوی و ارتباط اسلوبی – بین این آیه و آیات قبل دیده نمی شود. از جهت معنایی هم این آیه از آیات پیشین گسسته است: آیات قبل درباره وظائف مؤمنان و پیامبر (ص) بود؛ اما این آیه بیانگر مثالی برای زنانی است که با دستورات پیامبران خدا مخالفت کرده اند.

از آن سو، آیات بعد همگی ارتباطی با آیه دهم دارند. آیه ۱۱ با آیه ۱۰ از جهت لفظی و معنایی مرتبط است: از نظر لفظی آیه یازدهم به ابتدای آیه دهم عطف شده است و با آن اشتراک اسلوبی دارد؛ زیرا عبارت «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ» در هر دو تکرار شده است. از نظر معنایی نیز میان آیات دهم و یازدهم قرینه تقابل وجود دارد؛ زیرا «امْرَأَةٌ نُوحٍ وَامْرَأَةٌ لُوطٍ» (تحریم/ ۱۰) بیان گویایی برای کافران، و «امْرَأَةٌ فِرْعَوْنَ» (تحریم/ ۱۱) بیانگر گویایی برای مؤمنان است. به همین ترتیب، آیه ۱۲ نیز با آیه ۱۱ از جهت لفظی و معنایی مرتبط است. از جهت لفظی عبارت «وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ» در ابتدای آیه دوازدهم به عبارت «امْرَأَةٌ فِرْعَوْنَ» در آیه یازدهم عطف شده است. از نظر معنایی هم آیه ۱۲ ادامه مثلی است برای امری که در آیه ۱۱ ذکر شده بود.

ساختار معنایی حاکم بر آیات این سیاق هم از نوع مصادیق یک امر کلی است. همه آیات این سیاق درباره رابطه ایمانی زنان با پیامبران زمان خویش است؛ با این تفاوت که در آیه ۱۰ سخن از زنانی است که به پیامبران زمان خود خیانت کردند و در آیه ۱۱-۱۲ سخن از زنان مؤمن به پیامبران الهی به میان می آید. این دو دسته آیه با یکدیگر ارتباط تضاد نیز دارند.

۳. تحلیل سیاقها

اکنون دو مرحله آغازین از روش جامع پیش نهادی برای شناخت غرض سوره را پشت سر نهاده ایم؛ سیاقها را بازشناخته ایم و سوره را گفتاربندی کرده ایم. در سومین مرحله لازم است با کوشش برای کشف وجه جامع آیات هر سیاق، برای هر سیاق عنوانی بیابیم. در مراحل بعد خواهیم توانست به کشف غرض سوره و آزمون این غرض نائل شویم.

۱-۳) عنوان‌گذاری سیاق‌های سوره تحریم

برای انتخاب عنوان هر مقوله سوره باید مطلبی کانونی را که بیانگر محور اصلی و جهت‌گیری محتوایی آن گفتار است شناسایی، و آن را در یک عبارت کوتاه بیان کنیم. مطلب کانونی هر گفتار به دو شیوه شناسایی می‌شود. شیوه اول این است که یکی از آیات سوره اصل، و آیات دیگر فرع بر آن باشد. هرگاه چنین باشد مطلب کانونی را می‌توان با توجه به محتوای آیه اصلی به دست آورد. فرض دوم این است که هیچ‌یک از آیات فرع بر دیگری نباشد. در این صورت مطلب کانونی گفتار با توجه به جمع‌بندی محتوای آیات به دست می‌آید.

اکنون با توجه به تفکیک یادشده می‌توان فرضیه‌ای درباره جهت‌گیری محتوایی و غرض گفتارهای سوره تحریم باز نمود. بدین منظور، نخست می‌گوییم رابطه آیات گفتار اول با یکدیگر — از نظر ساختار معنایی — رابطه اصل و فرع نیست؛ بل که همه آیات در یک طراز هستند و هر کدام از آن‌ها قسمتی از حوادث مربوط به رفتار نادرست دو تن از همسران پیامبر (ص) را بیان می‌کنند. در این آیات به دو مطلب مهم اشاره شده است که هر کدام از آن‌ها بخشی از جهت‌گیری این سیاق را نشان می‌دهند و در کشف غرض و عنوان‌گذاری آن تأثیرگذار اند. مطلب نخست که در آیات این سیاق با عبارات مختلف بر آن تأکید شده، بیان دو مورد از رفتارهای نادرست زنان پیامبر (ص) و هشدار به آنان است؛ یکی افشاء اسرار پیامبر (ص) که با «أَسْرَ النَّبِيِّ إِلَيَّ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا...» به آن اشاره می‌شود؛ و دیگر، تلاش آنان برای تباہی برضد پیامبر (ص) که با تعبیر «تَطَاهَرًا عَلَيْهِ» از آن سخن رفته است.

مطلب دومی که در این آیات بر آن تأکید رفته، حمایت خدا از پیامبر (ص) در برابر همسران توطئه‌گر ایشان است. در این آیات حمایت خدا از پیامبر (ص) با تکرار افعال و صفاتی ابراز می‌شود که بیانگر نوعی تدبیر خدا، و حمایت او از رسول خود است. این نکته در آیه دوم با عبارات «فَدَفَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ» و «اللَّهُ مَوْلَاكُمْ»، در آیه سوم با عبارت «بَنَّا نِيَّ الْعَلِيمِ الْخَبِيرِ»، در آیه چهارم با عبارت «فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاةُ»، و در آیه پنجم نیز با عبارت «عَسَى رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَنَّ أَنْ يُبْدِلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكَ» بیان می‌شود.

به این ترتیب، در آیه اول توصیه صمیمانه خدا به پیامبر (ص) مطرح می‌شود که چرا — برای جلب رضایت برخی از همسران توطئه‌گر — امور حلالی را بر خود حرام کرده است. می‌توان

گفت این آیه بازگوکننده نوعی حمایت عاطفی و معنوی خدا از پیامبر (ص) است. آیه دوم راه‌حلی شرعی — برای بازکردن سوگند و پایان دادن به رنج و زحمت پیامبر (ص) — فراروی او می‌نهد و این‌گونه باز حمایت دینی خدا را نسبت به پیامبر (ص) باز می‌نماید. آیه سوم هم درباره افشاء خیانت یکی از همسران پیامبر (ص) در امانتش — راز پیامبر (ص) — به وسیله خداست که حمایت اطلاعاتی و خبررسانی خدا به پیامبر خویش را می‌رساند: «نَبَّأَنِ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ». همین حمایت خدا از پیامبر (ص) در آیات بعدی سیاق استمرار یافته است: آیه چهارم بیان یاری‌رسانی و حمایت اجتماعی خدا از پیامبرش در برابر تبانی همسران او، و هشدار شدید به آن همسران است. آیه پنجم نوعی حمایت خانوادگی از پیامبر (ص) محسوب می‌شود؛ حمایتی با تهدید همسران خطاکار به امکان جای‌گزینی همسران بهتر. برپایه مجموع آنچه گفته شد، سیاق نخست را می‌توان گفتاری برای «حمایت خدا از پیامبرش در برابر توطئه‌چینی همسران او» دانست.

در سخن از دومین سیاق نیز باید بگوییم آیات این گفتار در طراز هم اند و هیچ‌یک از آن‌ها فرع بر دیگری نیست. از این‌رو برای کشف غرض این سیاق باید — با توجه به محتوای آیات — محور مشترک میان آن‌ها را شناسایی کنیم و با توجه به آن محور مشترک عنوانی برای این گفتار بیابیم. آیات ۶ و ۸ با خطاب «أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» دو وظیفه مؤمنان را در برخورد با توطئه‌گران و خیانت‌کاران بیان می‌کند. وظیفه نخست آن است که از هرگونه مخالفت خود یا خانواده‌های‌شان با پیامبر (ص) و پیروی از رهبران توطئه اجتناب کنند؛ زیرا این کار موجب جهنمی شدن آن‌ها می‌شود (آیه ۶-۷). وظیفه دوم هم این است که اگر پیش از این به دام توطئه‌گران افتاده، و با آن‌ها هم‌کاری کرده‌اند، از این گناه بزرگ توبه نصح نمایند تا خدا گناهان‌شان را بپامزد و ایشان را به بهشت ببرد (آیه ۸).

پایان‌بخش آیات این سیاق — یعنی آیه نهم — نیز دو وظیفه را برای پیامبر (ص) باز می‌گوید: یکی مبارزه شدید و قاطع با مخالفان و توطئه‌گران: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ»، و دیگر، سخت‌گیری بر ایشان: «وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ». به این ترتیب مشخص می‌شود محور مشترک این چهار آیه بیان (وظیفه پیامبر (ص) و مؤمنان در برابر توطئه‌گران و خیانت‌کاران) است. سیاق سوم یعنی آیات پایان‌بخش سوره آشکارا درباره «سرانجام زنان خیانت‌کار به پیامبران»

است. آیه دهم فرجام شوم دو زن خائن - زن نوح و لوط (ع) - را بیان می‌کند تا عبرتی باشد برای کسانی که به پیامبر (ص) خیانت می‌ورزند. آیه ۱۱-۱۲ نیز فرجام دو زن مؤمن یعنی آسیه (همسر فرعون) و مریم (س) را بیان می‌کند تا مایه دلگرمی کسانی باشد که از پیامبر (ص) پیروی می‌کنند. بآن‌که در این آیات از زنان مؤمن نیز سخن گفته شده است باید به این توجه داشت که محور بحث‌ها در این سیاق زنان خائن است و بحث زنان نمونه‌مطلبی فرعی برای تکمیل بحث به‌شمار می‌آید. شاهد این مدعا همین است که فضای کلی سوره و محور گفتار اول و دوم بحث خیانت دو تن از همسران پیامبر (ص) و مقابله با توطئه‌گران و خیانت‌کاران است. تقدم یادکرد نمونه‌های زن خیانت‌کار بر نمونه‌های زن مؤمن نیز می‌تواند مؤید همین فرضیه باشد.

۲-۳) کشف غرض سوره بر پایه سیاق‌ها

برای کشف غرض سوره از طریق جمع‌بندی عناوین گفتارها نخست باید مشخص شود که آیا گفتارهای سوره در یک ردیف اند یا یکی از آنها اصل است و بقیه فرع بر آن هستند. برای مشخص شدن این امر نگاهی به دیگر عناوین گفتارهای سوره می‌اندازیم:

گفتار اول: حمایت خدا از پیامبر (ص) در برابر رفتارهای نادرست همسرانش

گفتار دوم: وظیفه پیامبر (ص) و مؤمنان در برابر توطئه‌گران و خیانت‌کاران

گفتار سوم: سرانجام زنان خیانت‌کار به پیامبران (ع).

از سه گفتار سوره تحریم، گفتار نخست اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در شکل‌گیری جهت هدایتی و محتوایی سوره دارد. دو گفتار دیگر از جهت محتوایی فرع بر آن هستند. گفتار نخست این سوره درباره حمایت خدا از پیامبر (ص) در مقابل رفتار دو نفر از همسران پیامبر (ص) و تبانی و توطئه آن همسران برضد پیامبر (ص) است؛ گفتار دوم هم وظیفه مؤمنان و پیامبر اکرم (ص) را در برابر این توطئه‌گران که به خانه پیامبر (ص) هم نفوذ کرده‌اند بیان می‌کند.

در گفتار سوم بار دیگر بحث به سرمنشأ توطئه یعنی همسران پیامبر (ص) بازمی‌گردد و تمثیلی از خیانت همسران انبیاء (ع) را هم‌چون هشدار برای همسران پیامبر (ص)، و تمثیلی از زنان پارسا را به منظور الگودهی به ایشان مطرح می‌کند. در این سه گفتار بحث از وقوع توطئه و خیانت برضد پیامبر (ص) و با محوریت زنان پیامبر (ص) مشترک است و در گفتار

اول و سوم برجسته شده است. بنابراین، با محوریت عنوان گفتار اول و جمع بندی عناوین دیگر گفتارها باید عنوان بحث اصلی سوره را چنین بیان کرد: «هشدار به همسران پیامبر (ص) و دیگر توطئه‌گران درباره عواقب خیانت به پیامبر (ص)».

۳-۳) مقایسه غرض کشف شده با مشترکات گفتارهای سوره تحریم

اکنون برای کسب اطمینان از کشف صحیح غرضی که با توجه به عناوین گفتارها به دست آمده است باید مشترکات لفظی و محتوایی عبارات و مطالب موجود در گفتارها را نیز بررسی کنیم. از این رو در این مرحله به بررسی مشترکات لفظی و معنایی گفتارهای سوره تحریم می‌پردازیم.

نخستین امر مشترک در همه گفتارهای سوره تحریم همین است که هریک به نحوی به توطئه و تبانی برضد پیامبر (ص) ارتباط یافته‌اند. گفتار نخست از اصل شکل‌گیری توطئه و تبانی درون خانه پیامبر (ص) و توسط برخی از همسران ایشان خبر می‌دهد. گفتار بعد مؤمنان را از فرو افتادن در دام این توطئه برحذر می‌دارد، ایشان را به توبه از غفلت نسبت به آن فرا می‌خواند، و پیامبر اکرم (ص) را نیز به رویارویی با عوامل توسعه و تثبیت این توطئه - یعنی کافران و منافقان - فرمان می‌دهد. در گفتار سوم نیز، با ذکر مثالی از دو زن خائن به پیامبران پیشین (ع)، هشدار به دو همسر پیامبر (ص) برای عواقب خیانت را تشدید می‌کند.

در هریک از سه گفتار سوره تحریم به گونه‌ای مفهوم مخالفت کردن با پیامبر (ص) و دیگر پیامبران با عبارات متفاوتی بیان شده است. در گفتار اول از عبارت «وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ» استفاده شده که درباره تبانی و توطئه‌چینی همسران پیامبر (ص) ضد ایشان است. در گفتار دوم عبارت «يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ» به خوار نشدن پیامبر (ص) و طرفداران ایشان در قیامت اشاره دارد. در گفتار سوم نیز عبارت «فَخَاتَتَاهُمَا» به صراحت از خیانت دو تن از همسران پیامبران پیشین (ع) می‌گوید.

یکی از مشترکات گفتار اول و دوم سوره تحریم کاربرد واژه «النَّبِيِّ» است. این ماده در اصل به معنای رفعت و بلندی در جایی است که توقع این رفعت نیست (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، ۱۶/۱۲). واژه نَبِيِّ صِفَتِ مُشْبِهَةٍ است و به بزرگواری و کمالات معنوی پیامبر (ص) اشاره دارد. این واژه در آیه ۱ و ۳ از گفتار اول، و آیه ۸ و ۹ از گفتار دوم برای توصیف

شخصیت پیامبر (ص) به کارگرفته شده است. در آیه ۱۰ گفتار سوم سوره نیز به همین معنا درباره نوح و لوط (ع) با عبارت «عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ» اشاره شده است. تأکید بر مقام معنوی و بزرگواری پیامبر (ص) در دو گفتار نخست سوره بیانگر این حقیقت است که هیچ وضعفی در رفتار و خصلت‌های پیامبر (ص) وجود ندارد که مخالفان ایشان به بهانهٔ مقابله با آن به مخالفت با پیامبر (ص) پردازند. پس این تعبیر بازنمایندهٔ حقانیت پیامبر (ص) و مستحق کیفر و عذاب الهی بودن مخالفان ایشان است و هشدار بازتابیده در غرض سوره را تشدید می‌کند.

نکتهٔ دیگری نیز که باید به آن توجه کرد ارتباط کاربرد پرشمار «نبی» با «نبنی العلیم الخبیر» (تحریم/ ۳) است. نبی کسی است که از جانب خداوند اخباری دریافت می‌کند. القاب و اوصاف مختلفی برای پیامبر اکرم (ص) در قرآن یاد شده است. این تأکید بر نبی بودن پیامبر (ص) در آیات مختلف سورهٔ تحریم نشانهٔ همین است که بناست به توطئه‌گران هشدار داده شود خدا رفتار ایشان را به اطلاع پیامبرش خواهد رساند.

۴-۳) دیگر مؤیدات این تحلیل

اگر در کشف غرض سوره درست عمل کرده باشیم باید احتمالاً بتوانیم شواهد درون‌متنی و برون‌متنی مختلفی بیابیم که مؤید فرضیهٔ ما باشند. از جملهٔ شواهد درون‌متنی که درستی کشف غرض فوق را برای سورهٔ تحریم تأیید می‌کند نحوهٔ ورود به بحث در آیات آغازین، و خروج از آن در آیات پایانی سوره است. آیات آغازین سوره متضمن هشدار به گروهی از همسران پیامبر (ص) است که با افشای اسرار پیامبر (ص) خیانت در امانت ایشان کرده‌اند. آیات پایانی سوره نیز دربارهٔ پندگرفتن از فرجام شوم و عذاب اخروی زنان لوط و نوح (ع) است که به همسرشان که از پیامبران خدا بودند خیانت نمودند. بنابراین آیات آغازین و پایانی سوره با غرض یادشده یعنی «هشدار شدید به توطئه‌گران و زنان خیانت‌کار پیامبر (ص)» هم‌آهنگ است. شاهد درون‌متنی دیگر پیوند اکثر آیات سوره با غرض یادشده است. سورهٔ تحریم ۱۲ آیه دارد. از این شمار، ۵ آیهٔ نخست دربارهٔ زنان پیامبر (ص) است. آیه ۱۰ نیز به صراحت و مستقیم از خیانت همسران پیامبران (ع) می‌گوید. به این ترتیب، دست‌کم نیمی از محتوای سوره با غرض آن ارتباط آشکار دارد.

خارج از متن سوره و در دیگر آیات قرآن هم شاید بتوان شواهدی مؤید صحت فرضیه یادشده درباره غرض سوره جست. از جمله این شواهد می‌تواند ترتیب نزول آیات باشد. می‌دانیم سوره تحریم ۱۰۸مین سوره نازل شده بر پیامبر (ص) است و قبل آن سوره منافقون، مجادله و حجرات، و بعد آن هم سوره جمعه نازل شده است (بنگرید به: معرفت، علوم قرآنی، ۷۴). بررسی سوره‌هایی که قبل از سوره تحریم یا پس از آن — و همگی در سال ۸ق — نازل شده‌اند (بنگرید به: همان‌جا)، نشان می‌دهد دو جریان اجتماعی سازمان‌یافته برای مخالفت با پیامبر (ص) در مدینه در حال شکل‌گیری بوده است. سوره منافقون سخنی از قول یک دسته توطئه‌گران به‌ظاهر مسلمان نقل می‌کند که:

يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ (منافقون/ ۸).

ترجمه: می‌گویند اگر به مدینه بازگردیم، ما مردم مدینه که دارای عزت و قدرت هستیم، مهاجرانی را که از مکه آمده‌اند، از شهر بیرون می‌کنیم.

سوره مجادله هم از گروهی سخن می‌گوید که به دشمنی با خدا و رسولش برخاسته‌اند و خدا نیز آن‌ها را به ذلت و عذابی ابدی تهدید می‌کند: «إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ كُبِتُوا كَمَا كُبِتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» (مجادله/ ۵). در آیه هشتم همین سوره از مسلمانانی سخن می‌رود که برخلاف فرمان خدا و برای سرپیچی از دستورات پیامبر (ص) جلساتی سرّی تشکیل می‌دهند و با یکدیگر نجوا (مذاکره مخفیانه) می‌کنند:

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ النَّجْوَى ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَيَتَنَاجَوْنَ بِالْأَيْمِ
وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ.

ترجمه: آیا آن‌ها را که از نجوا منع شده بودند ندیدی که کاری را که از آن منع شده بودند از سر گرفتند و باز هم برای گناه و دشمنی و نافرمانی از پیامبر با هم نجوا می‌کنند؟

افزون بر تلاش‌های سازمان‌یافته این منافقان، جریان اجتماعی خزنده دیگری نیز برای تضعیف جایگاه اجتماعی پیامبر در میان مسلمانان شکل می‌گیرد. پیش‌برندگان این جنبش پنهان هم از مسلمانان به‌شمار می‌روند؛ اما آن‌گونه که باید و شاید احترام و شأن پیامبر (ص) را رعایت نمی‌کنند. این حرکت آن‌چنان از منظر الهی قبیح تلقی می‌شود که در سوره حجرات،

مسلمانان را از این‌گونه بی‌احترامی به مقام پیامبر (ص) نهی می‌شوند (حجرات/ ۱-۵). سوره تحریم در همین فضای اجتماعی نازل می‌شود. در سوره جمعه نیز که بعد از سوره تحریم نازل می‌شود باز به مسلمانانی اشاره می‌رود که پیامبر (ص) را در حال خواندن خطبه نماز جمعه رها کرده، به دنبال تجارت رفته‌اند (جمعه/ ۱۱).

تقارن زمانی نزول این سوره‌ها این احتمال را تقویت می‌کند که ارتباط معناداری میان تلاش‌های منافقان و بی‌توجهی گروهی از مسلمانان به شأن و مقام پیامبر (ص) وجود دارد. گویی گروهی از مسلمانان سست‌ایمان - به پیروی منافقان - از دستورات پیامبر (ص) سرپیچی، و برای تضعیف جایگاه اجتماعی ایشان توطئه‌های متعددی طراحی کرده بودند. این توطئه‌گران گویی موفق شده بودند به خانه پیامبر (ص) هم نفوذ، و دو تن از همسران ایشان را با خود همراه کنند و این‌گونه از برخی اسرار خانه پیامبر (ص) نیز آگاه شوند. در این شرایط سوره تحریم نازل می‌شود و به زنان پیامبر (ص) اخطار می‌دهد که از کار خویش توبه کنند و به عواقبش توجه داشته باشند.

نتیجه

در این مطالعه کوشیدیم روشی جامع همه روش‌های رایج برای کشف غرض سوره‌ها بازنماییم و کارایی آن را در مطالعه موردی کشف ساختار و غرض سوره تحریم بازنماییم. به نظر می‌رسد کاربرد این روش جامع ما را به فهم بهتر نکاتی درباره این سوره رهنمون شد. دیدیم سوره تحریم در بردارنده سه گفتار اصلی است، از این سه گفتار نخست اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در شکل‌دهی محتوای سوره دارد، و دو گفتار دیگر فرع بر آن اند. آنچه در این سه گفتار اشتراک دارد بحث از جریان اجتماعی توطئه برضد پیامبر (ص) با محوریت خیانت و افشاء راز برخی همسران ایشان، و سوءاستفاده‌های احتمالی برخی منافقان از این وضعیت است.

برپایه شواهدی که به تفصیل از آن‌ها بحث شد، به این فرضیه رسیدیم که غرض سوره هشدار به همسران پیامبر (ص) و دیگر توطئه‌گران درباره عواقب خیانت به پیامبر (ص) است. در مرحله بعد، برای ارزیابی این فرضیه شواهد درون‌متنی و برون‌متنی مختلف را مرور کردیم. مجموع شواهد این فرضیه را تأیید کردند که سوره در فضایی آشفته از فعالیت‌های پنهان منافقان در مدینه در اواخر عمر پیامبر اکرم (ص) و سال ۸ق نازل شده است؛ فعالیت‌هایی که به تدریج

راهی به نفوذ در خانه پیامبر (ص) از طریق همسران ایشان هم یافته‌اند. مطالعه ما نشان داد چالش اصلی سوره، برخلاف آنچه اغلب مفسران پنداشته‌اند، مسئله‌ای فراتر از تنظیم روابط زن و شوهر یا تبیین روش تعامل پیامبر اکرم (ص) با همسرانی است که حقوق همسری را مراعات نمی‌کنند.

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- اخلاقی، اکبر، تحلیل ساختاری منطق الطیر، اصفهان، انتشارات فردا، ۱۳۷۷ ش.
- ۳- الهی‌زاده، محمدحسین، درسنامه تدبیر ترتیبی در سوره‌های قرآن کریم، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۹۴ ش.
- ۴- امین، نصرت‌بیگم، مخزن العرفان، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱ ش.
- ۵- بخاری، محمد بن اسماعیل، الصحیح، بولاق، المطبعة السلطانیة، ۱۳۱۱ ق.
- ۶- برزگر، محمد و فقهی‌زاده، عبدالهادی، «جعل و تحریف در اخبار سبب نزول سوره تحریم»، حدیث پژوهی، شماره ۱۷، بهار و تابستان ۱۳۹۶ ش.
- ۷- بستانی، محمود، التفسیر البنائى للقرآن، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۲۴ ق.
- ۸- بقاعی، ابراهیم بن عمر، نظم الدرر، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
- ۹- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم و حاجتی، محمد باقر، تفسیر کاشف، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۳ ش.
- ۱۰- جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم، اسراء، ۱۳۷۸ ش.
- ۱۱- حوی، سعید، الاساس فی التفسیر، قاهره، دار السلام، ۱۴۱۲ ق.
- ۱۲- خرقانی، حسن، «جستاری در تکراربندهای قرآنی»، قرآن‌شناخت، سال نهم، شماره ۱، ۱۳۹۱ ش.
- ۱۳- درویش، محیی‌الدین، اعراب القرآن و بیانہ، دمشق، دارالارشاد، ۱۴۱۵ ق.
- ۱۴- زرکشی، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۹۹۰ م.
- ۱۵- سلمان‌زاده، جوادی، «فضای نزول: مبانی و پیش‌فرض‌ها»، حسنا، شماره پیاپی ۱۹، سال پنجم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۲ ش.
- ۱۶- سلیمانی دودجی، عاطفه و احمدی، مهدی، «بازخوانی سبب نزول آیات اول سوره تحریم با تکیه بر بافت و قرائن تاریخی»، پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، شماره ۲۹، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ ش.

- ۱۷- سیاوشی، کرم، *تحلیل انتقادی مبانی و رهیافت تفسیری سید قطب در فی ظلال القرآن*، تهران، چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۹ ش.
- ۱۸- سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، *الدر المنثور*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
- ۱۹- شاه سنایی، محمدرضا و اسماعیلی زاده، عباس، «بازخوانی تفسیر راز افشاء شده در آیه سوم سوره تحریم با تأکید بر سیاق و روایات تفسیری»، *سقیفه*، شماره ۷۳، زمستان ۱۴۰۰ ش.
- ۲۰- صابونی، محمد علی، *صفوة التفاسیر*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۱ ق.
- ۲۱- صابونی، محمد علی، *قبس من نور القرآن الکریم*، دمشق، دارالقلم، ۱۴۰۹ ق.
- ۲۲- صافی محمود بن عبدالرحیم، *الجدول فی اعراب القرآن*، دمشق، دارالرشید، ۱۴۱۸ ق.
- ۲۳- طالب زاده دزفولی، مریم و دیگران، «ویژگی زنان برتر از دیدگاه اسلام با تأکید بر آیه ۵ سوره تحریم»، *پژوهش و مطالعات اسلامی*، شماره ۲۵، سال سوم، مرداد ۱۴۰۰ ش.
- ۲۴- طباطبایی، محمد حسین، *المیزان*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی و دیگران، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۳ ش.
- ۲۵- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان*، بیروت، اعلمی، ۱۴۱۵ ق.
- ۲۶- طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان*، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ ق.
- ۲۷- عسکری، مرتضی، *نقش عائشه در احادیث اسلام*، قم، دانشکده اصول الدین، ۱۳۹۰ ش.
- ۲۸- لسانی فشارکی، محمدعلی، «بقره، سوره»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، به کوشش کاظم موسوی بجنوردی و دیگران، جلد دوازدهم، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
- ۲۹- مدرسی، محمدتقی، *من هدی القرآن*، تهران، دار محبی الحسین، ۱۴۱۹ ق.
- ۳۰- مراغی، احمد بن مصطفی، *التفسیر*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۳۱- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۳۰ ق.
- ۳۲- معرفت، محمدهادی، *علوم قرآنی*، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ۱۳۷۸ ش.
- ۳۳- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، *تفسیر نمونه*، تهران، اسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
- ۳۴- میرباقری، محسن، «ارتباط آیات در سور قرآن کریم با نگاه به سوره تحریم»، *پژوهش دینی*، شماره ۷، پاییز ۱۳۸۳ ش.

Bibliography

1. The Holy *Qur'ān*.
2. Akhlāqī, Akbar, *Structural Analysis of Mantiq al-Ṭayr*, Isfahan, Fardā Publication, 1377 SAH.
3. Amīn, Noṣrat Bīgom, *Makbzan al-Irfān*, Tehrān, Nehḍat Zanān Mosalmān, 1361 SAH.
4. 'Askarī, Murtaḍā, *The Role of 'Ā'ishā in Traditions of Islam*, Qom, Usūl al-Dīn College, 1390 SAH.
5. Barzgar, Moḥammad and Feqhīzade, 'Abdul-Hādī, "Forgery and Distortion in the Narrations about the Revelation of Sūra al-Taḥrīm", *Hadith Research*, No. 17, Spring and Summer 2016.
6. Bī-Āzār Shīrāzī, 'Abdol-Karīm and Ḥujjatī, Moḥammad Bāqer, *Tafsīr-e Kāshf*, Tehrān, Office of Islamic Culture Publication, 1363 SAH.
7. Biqā'ī, Ibrāhīm b. 'Umar, *Naẓm al-Durar*, Beirut, Dār al-Kutub al-'Ilmiya, 1415 AH.
8. Bukhārī, Muḥammad b. Ismā'īl, *Al-Ṣaḥīḥ*, Būlāq, Al-Maṭba'a al-Sultāniyya, 1311 AH.
9. Bustānī, Maḥmūd, *Al-Tafsīr Al-binān'ī lil-Qur'ān al-Karīm*, Mashhad, Āstān Qods Raḍawī, 1424 AH.
10. Darwīsh, Muḥyī al-Dīn, *I'rāb al-Ḳurān wa Byānub*, Damasqus, Dār al-Irshād, 1415 AH.
11. ElāhīZāde, MuḥammadHoseyn, *The Textbook of Orderly Thinking in the Sūras of the Holy Qur'ān*, Mashhad, Āstān Qods Raḍawī, 1394 SAH.
12. Ḥawwa, Sa'īd, *Al-Asās fi al-Tafsīr*, Cairo, Dār al-Salām, 1412 AH.
13. Jawādī Āmolī, 'Abdullāh, *Tasnīm*, Qom, Isrā', 1378 SAH.
14. Kharqānī, Ḥasan, "Investigation in Quranic Repetitive Clauses", *Qur'ān-Shenākt*, Year 9, No. 1, 2013.
15. Lesanī Feshārakī, Moḥammad 'Alī, "Al-Baqara, the Sūra of", *Great Islamic Encyclopaedia*, ed. Kāẓem Mūsavī Bojnūrdī et al, Vol. 12, Tehran, Center for Great Islamic Encyclopaedia, 2013.
16. Makārem Shīrāzī, Nāser, *Tafsīr-e Nemūne*, Tehran, Dār al-Kutub al-Islāmīyya, 1374 SAH.

17. Marāghī, Aḥmad b. Muṣṭafā, *Al-Tafsīr*, Beirut, Dār Ihyā' al-Turāth al-‘Arabī.
18. Ma‘refāt, MuḥammadHādī, *‘Olūm-e Qur’ānī*, Qom, Tamhīd Institute, 1378 SAH.
19. Mīrbāqerī, Moḥsen, “The Relationship Between the Verses in the Suras of Holy *Qur’ān*: the Case Study of Sūra al-Taḥrīm”, *Religious Research*, No. 7, Fall 2013.
20. Mudarrisī, MuḥammadTaqī, *Min Huda al-Qur’ān*, Tehran, Dār Muḥibbī al-Ḥusayn, 1419 AH.
21. Muṣṭafawī, Ḥasan, *Al-Taḥqīq fī Kalimāt al-Qur’ān al-Karīm*, Beirut, Dār al-Kutub al-‘Ilmīyya, 1430 AH.
22. Šābūnī, Muḥammad ‘Alī, *Šafwa al-Tafāsīr lil Qur’ān al-Karīm*, Beirut, Dār al-Fikr, 1421 AH.
23. Šābūnī, Muḥammad ‘Alī, *Qabs Min Nūr al-Qur’ān al-Karīm*, Damascus, Dār al-Qalam, 1409 AH.
24. Šāfī, Maḥmūd b. ‘Abd al-Raḥīm, *Al-Jadwal fī Irāb al-Qur’ān*, Damascus, Dār al-Rashīd, 1418 AH.
25. Salmānzāde, Javād, “The Discourse of Revelation of the *Qur’ān*: Basics and Presuppositions”, *Husnā*, No. 19, year 5, vol. 4, winter 2013.
26. ŠāhSanāyī, MoḥammadRezā and Esmā‘ilzāde, ‘Abbās, “Reunderstanding the Tafsīr of the Revealed Secret in the Third Verse of Sūra al-Taḥrīm with Emphasis on the Context and Interpretive Traditions”, *Safīna*, No. 73, Winter 1400 SAH.
27. Sīyāwūshī, Karam, *Critical Analysis of Basics and Interpretive Approach of Sayyid Quṭb in Fī Zilāl al-Qur’ān*, Tehran, International Print and Publication, 1389 SAH.
28. Soleymānī Dūdījī, ‘Ātefe and Aḥmadī, Mahdī, “Reunderstanding the First Verses of Sūra al-Taḥrīm Based on Context and Historical Evidence”, *Qur’an and Hadith Research Journal*, No. 29, winter 1400 SAH.
29. Suyūṭī, ‘Abd al-Raḥmān b. AbīBakr, *Al-Durr al-Muntbūr*, Beirut, Dār Ihyā' al-Turāth al-‘Arabī, 1420 AH.
30. Ṭabarī, Muḥammad b. Jarīr, *Jāmi‘ al-Bayān*, Beirut, Dār al-Ma‘rifa, 1406 AH.

31. Ṭabarsī, Faḍl b. Ḥasan, *Majma' al-Bayān*, Beirut, al-A'lamī, 1415 AH.
32. Ṭabāṭabā'ī, Muḥammad Ḥusayn, *Al-Mizān*, Tehrān, Dār al-Kutub al-Islāmīyya, 1363 AH.
33. Ṭālebzāde Dezfūlī, Maryam et al, "Characteristics of Prominent Women from the perspective of Islam with Emphasis on Verse 5 of Sūra Taḥrīm", *Islamic Research and Studies*, No. 25, year 3, August 1400 SAH.
34. Zarkashī, Muḥammad b. 'Abdullāh, *Al-Burbān fī 'Ulūm al-Qur'ān*, Beirut, Dār al-Ma'rifa, 1990.